



اثبات وجود روح

بدلائل محسوسه علمیه جدیده

ترجمه مجتهد شیخ محمد رضا خان
عضو ریاست

اقباس از مجله لازم

مرجع استدلال مردم این دو اثبات وجود روح همین علم فلسفه تنها بود. تا اینکه مجادله و انکار منکرین در قی روح و عالم روحانی در بن قرون اخیره اشتداد کرد. زیرا که بمر بقاء علمیه معرفت خودشان، فیضه، هر معقولی که بدلیل محسوس ثابت نشود، مفید یقین نیست. دست آورنده ساخته آنچه بر همین عقلی راموهوم شدند. لہذا دانشمندی که در آنکشاف حقایق اشیا غور و تحقیق میکردند راجع باثبات وجود روح تا دلائل قاطعه محسوسه بدست آوردند در پی جمع آوری حوادث محسوسه و مشاهدات نفسیه افتادند، تا اینکه حق تعالی برایشان کشایش فرموده حوادث و مشاهدات بسیاری برای این محققین آشکار ساخت که مادیون آن دلائل را بر طرف و انکار کرده نخواستند چرا که همه این حوادث از مشاهدات و مقررات عامیه امر و زده بود، با این سبب بود که فرقه ارمادیون بفلسفه روحانیه رجوع نمودند و طایفه دیگر کور کورانه بدون تحقیقات علمی

در انکار وجود روح و عالم روحانی باقی ماند. پیروی بعضی افراد خود کردند. از جمله مشاهدات علمی که علماء عصر حاضر در اثبات وجود روح دلیلی قطعی گرفته اند تصرفات و عملیات اراده انسانی است از دور بغیر از اتصال بیک شیء مادی و درین هیچ گفتگو نیست که اراده انسان از خصایص روحیه او، و غیر مادی است. و قتیکه اثرات اراده در اشیاء خارج محقق شود، البته برای ثبوت استقلال روح انسانی از جسدش همین دلیل قطعی است چه جسد فی نفسه برای روح بمنزله اادات و واسطه ظهور افعال است.

استاد فیلسوف معرف (کامیل فلامار یون) فرانسوی گفته، که من مولفات مخصوصی در مسئله تأثیر اراده، یا تورید خطرات عقلی وضع کرده ام دلائل که صحت آن ثبوت رسیده بی انداز است، و من خودم در ایام گذشته از تجارب و عملیات استاد (شارکو) در شفاخانه (سال برییر) و دوکتور (لوپس) در شفاخانه (لاشاریته) پاریس ازین قبیل بسیار مشاهده کردم، ولی عجب ترا از همه تجارب و عملیات استاد (بییر جانیه) بود که در شهر (الیهافرم) قولی نسبتاً لای بیک زن دهقان قوی البنیه جاری کرد، و همین زن با وجودیکه چند کیلو متر دور بود و مطلقاً اعصاب او بچیزی اصابه نکرده بود، تلقی و قبول میکرد آنچه را عامل بعقل خود بردن او می انداخت و بغیر از اینکه معرفت داشته باشد که چه تلقین او می شود. بای وجه من الوجوه در ضبط آن مطیع و فرمان بردار بود.

بعقیده ماچیزی که باب این مسئله را کشاد همین تنویم معنا طبیسی است که امروز ما نند علوم حقیقی درمدا رس و مجامع طبییه تد ریس می شود و یکی از وسایل معالجه

امراض بشمار میرود .

این علم منحصر است در امکان تنویم ، یعنی از اثرات اراده یا ماهرین این صناعت برای انسان خواب مغناطیسی پیدا شود و بی استعانت سخن گفتن و اشارات حسی خطرات عقلی را که عامل بدل او بیند از قبول کرده بازاده منوم خود مطیع و منقاد باشد حتی اینکه اگر يك پاره ذغال را منوم برای او توجه کند که شکر است او را بخورد بکمال لذت شکر دانسته بخورد و اگر يك شاخه گل را برای او اراده کند که يك پاره نجاست است او را دور بیند از ، فوراً او را دور بیند از . و اگر منوم در جسم نائم يك د اثره را رسم کرده و باو بگویند که این قدر از اعضاء تو ملتهب است دمل خواهد کشید فوراً ازان دمل برآید .

الحق که بجز بین از این هم بالاتر و دور تر رفته اند . بارها دیده شده که شخصی را بخواب مغناطیسی آورده در آن هنگام برای او گفتند که دندان ترا از دهانت میکشم که هرگز درد آن را حس نکنی و يك قطره خون هم نبراید فوراً از قوه بقل آمده . از همین خاصیت های علم مغناطیسی علمای عصر حاضر و استفاده های کرده اند ، حتی اینکه در جمله علوم جراحی منطبق ساخته انرا او کلمه میگرفتند . و قتی که جراحان در عملیات پاره کردن شکم انسانی برای علاج که استعمال (کلو رو فارم را) خطر ناک شده مضطر باشند . بیشتر از اجراء عملیات مریض را بخواب مغناطیسی آورده بقوه روحانی بر او توجه میکنند که الم جراحی را مریض درک نکند و قطره خون از جای جراحی جاری نشود . آنوقت شروع بعملیات کرده آنچه از برین قطع کردن احشاء که منظور شان باشد در بدن مریض بعمل می آرند . مریض در حین عملیات با عقل

وهوش بوده و با اطراف خود سخن میگوید و اصلاً از الم جراحت متألم نمیشود . آنچه ذکر شد از مقررات عام (مسمریزم) است که در تنویم مغناطیسی در سنه (۱۷۷۰) ع مسمر نام دکتور آلمانی منکشف ساخت . تا اینکه مدت صد سال تقریباً در جمله علوم رسمی محسوب شد اما در نزد دقیقه سنجان علم عادات ایندفعی ثابت شده که این تنویم مغناطیسی در نزد قدماء مصریان و هندو و چینی ها معروف بوده و آنها در معابد و هیاکل با آن ممارست داشتند .

کسانیکه دلائل مادیه برای اثبات روح طلب میکنند سببش این است که این طایفه صرف بر علوم ثابته مقررہ اعتماد دارند و دلائل عقلی غیر محسوسه را اوهام و خرافات و اضالیل عقلیه می شمارند .

نظر باینکه ما در صدد اثبات تأثیر اراده انسانیه هستیم که در خارج اثر می کند درینخصوص مثالهایی را در ذیل ایواز میکنیم که از راست ترین مصادر علمیه باشد .

دوکتور (اوکوروویکز) در کتاب خودش که موسوم بکتاب (ایحاء عقلی است) بیان میکند :-

پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

من معالجه میکردم یکتا خانم ۳۷ ساله اولی که بمرض هستریا (صرع مزمن) مبتلا بود و زاید بران کرب و قلق و میل بانتهجار در وقت نوبت از او دیده می شد یک شبی در آخر نوبت که مریضه را خواب برده بود . ناگهانی از خواب بیدار شد . چشمش بمن و بیک نفر زن دوست و پرستارش افتاد . از ما رجا کرد که برویم و نفس خود را برای او زحمت ندهیم . اینقدر الحاح کرد که من ناچار شده اطاعتش کردم که مبادا نا فرمانی او باعث بدی احوال او و حدوث نوبت دیگر گردد . مریضه در مرتبه سوم عمارت بود و من

از زینه ها باهستگی پائین می شدم و در اثناء نزول بار ها ایستاده شده گوش فرا میداشتم که برای مریضه چه پدش آمده؛ چرا که من برای او توقع حادثه بسیار بدی را داشتم و چون از زینه ها پائین رسیدم ایستادم و متردد بودم که آیا برگردم و یا بهمان جای ایستاده باشم همین قسم فکر میکردم که ناگه یکی از دریاچه های اطاق مریضه بشدت باز شد چون بالا نظر کردم چشمم بر جسم مریضه افتاد که میخواست بزودی و شدت خود را از دریاچه بیرون ببرد و هلاک شود. بزودی خود را در جاییکه که توقع داشتم که خواهد افتاد رسانیدم و بقوه اراده فصد منع او کردم از افتادن دلی اراده مدافعه ام بحرکت آ لیه بود بدون اینکه تعلیق کنم بر او جای اقامه را چرا که این کوشش غیر معقول بود. و معذالک میدیدم مریضه را که میخواست خود را از روزن بیرون ببرد و نزدیک می شود که بیفتد اما یک قوه از خارج باوصدمه میرساند پی در پی و نمیگذشت که بیفتد و او را ایستاده میکرد و با آرامی او را پس میساخت.

این عمل را پی در پی پنج مرتبه بر او تکرار کردم تا اینکه برای مریضه آثار ماندگی پیدا شده بی حرکت افتاد. در اثنای این عملیات من در تاریکی ایستاده بودم و او مرا نمیدید چرا که شب بود زنی که هم صحبتش بود بزودی دوباره از هر دو ذراع او گرفت و می شنیدم که او مدافعه میکرد من هم بزودی از زینه ها بالا شدم خود را باور رسانیدم تا ساعت کنم دیدم مریضه را در حالت دیوانگی است او را با ^{کاملاً از آنجا برداشتم} علی شناسان و خیال دزد میکند من بکوشش بسیار او را از نواحی دریاچه و ابس کشیده بالای چپر کنش خوابانیدم و او را بخواب مغناطیسی آوردم اول چیزی که تکلم کرد همین دو کلمه بود: شکر آ و عفو آ.

بعد از آن برای من حکایت کرد که در وقتیکه مصمم انداختن خود بود از دریاچه حس میکرد که بهر دفعه يك قوه از طرف پائین او را مانع می شود.

گفتم کوائف آن چگونه بود ؟

گفت نیدانم .

گفتم آیا وجود مرا در آنجا خیال میکردی ؟

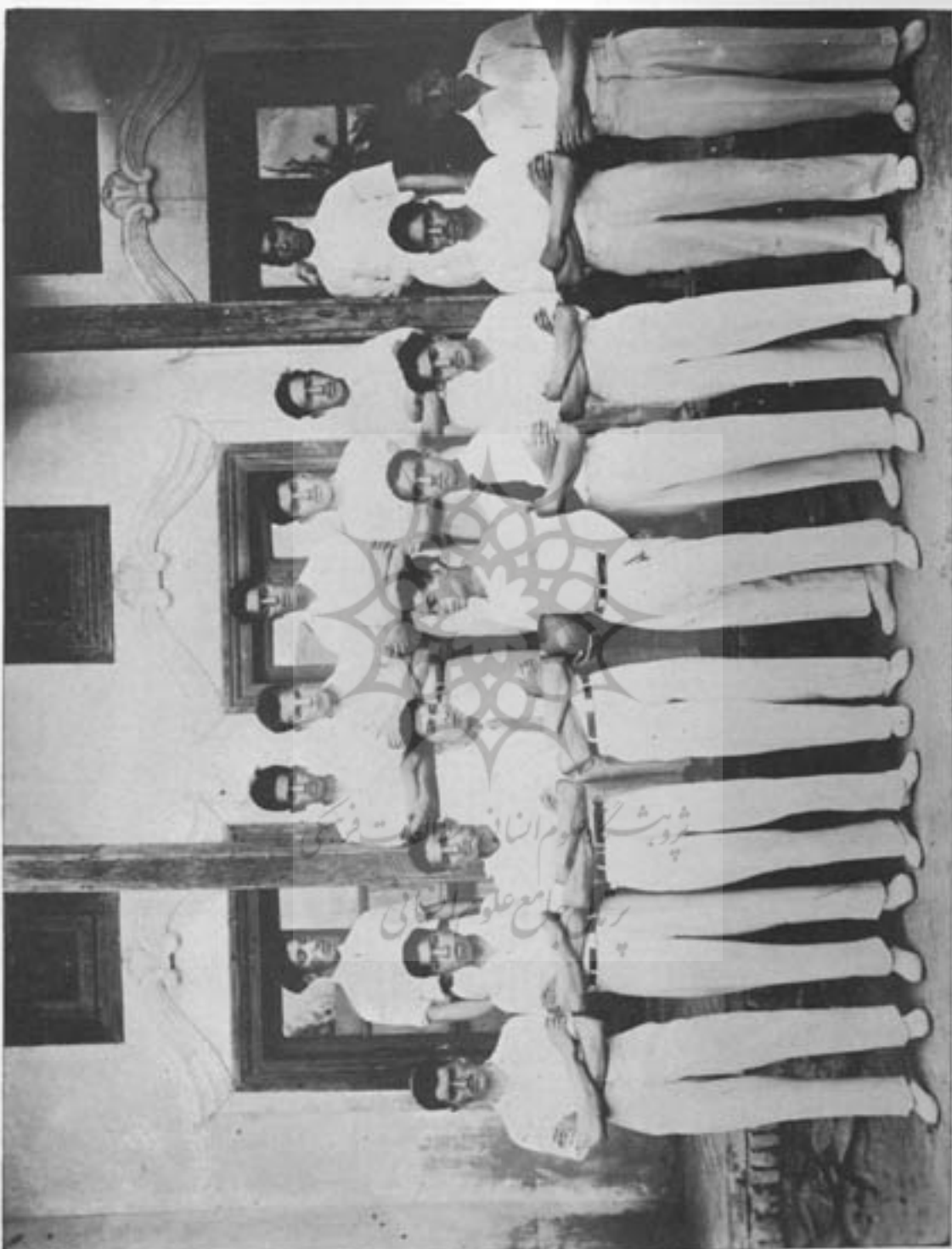
گفت : نه ، من اراده نکردم انقاد اراده خودم را مگر برای اینکه اعتقاد داشتم که توفیق و یا وجود آنها گاهی میشد که بخيال من می آمد درین وقت آخر که تو در پهلو و یا پشت سر من ایستاده و نمیخواهی که من بیفتم .

همچنین استاذ (او کورویکز) مذکور ۴۱ تجر بهرا از همین نوع بیان کرد که هر کدام آن دلیل قاطع است بر تاثیر اراده انسان ، از دور .

استاد کامل (فلاماریون) عالم فرانسوی مشهور ، گفته است : که دیدم دوست خودم کلونیل (دروشاس) را که احداث همچنین تجارب را میکرد در مدرسه هندسه پارس که خودش مدیر این مدرسه بود .

همچنین دیدم دکتور (بارتی) را که اعاده میکرد . همین تجر به هارا در شهر (نیس) و همچنین دیدم تجر به کنتوگان دیگر را در پس از این مقدمه ثابت میشود که عمیات و تاثیر بالا اراده اردور کار مشکوک فیہ نیست چنانچه میداند کسانی که درین موضوع درس گرفته اند . یک عالم المانی دکتور (فان هیلموث) در کتاب خود (اوبراومینا) نوشته است که انسان دارای یک قوه ایست که بمحض توجه و اراده میتواند چیزهایی که خارج از اوست متاثر بسازد و منطبع و ثابت گرداند اثر خود را بر آنچه هر چند از دور باشد .

و همین سراسر است که واضحانه شرح و تفسیر میکند او را یک عده از حوادث که فهم آن دشوار و متعلق است بقوه مغناطیسیه موجوده در جمیع اجسام و بقوه معنویه که مخصوص



تیم والبال مکتب دارالمعلمین - متعلق شماره اول سال ۶ - آئینه

شماره اول سال ۶
تیم والبال مکتب دارالمعلمین
متعلق شماره اول سال ۶ - آئینه



پروفیسر گل و علوم انسانی و مطالعات فرہنگی

پرتال جامع علوم انسانی

است برای انسان و صلاحیت او از برای تسخیر کاینات .

باز میگوئیم که مجربین تجربه های خود شائرا درین موضوع ازین هم دور تر در معرض مشهود آورده اند يك عالم بزرگ روسی (اکتزا کوف) در يك کتاب خودش که بر علیه انکارات فیلسوف آلمان (هارتنان) تالیف کرده روایت می کند : که قرینه يك عالم انگلیسی (دومرجان) عادت گرفته بود به تنویم يك زن و همیشه قوای روحیه خودش را در مکانی که برای آن زن تعیین شده بود از دور بر او ارسال می کرد . روزی برای او گفت و او در تحت خواب مغناطیسی بود : (برو بخوابی که من در زمان قدیم در آن سکونت داشتم) منومه گفت کردم آنچه گفتی و در واژه سرای را بشدت گویدم . چون آن زن استاذ در سرای رفت و از اهل آن از آنچه حادث شده بود پرسید در جواب گفتند که ما شنیدیم گویدم در واژه را بشدت و چون در را کشودیم کسی را ندیدیم لاجرم این کار را باطفال بدمه معاشرت نسبت داریم .

و همچنین روایت کرده است عالم مذکور این حادثه دیگر را و آن این است : که منوم مشهور (لویس) يك بار زنی را در پیش روی يك جبهه حاضری تنویم کرد . و برای آن زن گفت که بخانه اش رفته نظر کند و ببیند که اشخاصی که در آن سرای هستند چه میکنند . زن منومه گفت آنچه گفتی کردم و در آن خانه دو شخص را دیدم که باعمال منزل مشغول بودند (لویس) برایش گفت بکنفر از آنها را بدست خود لمس کن درینوقت منومه بخنده آمده گفت آنچه گفتی کردم لکن او شان از من بشدت ترسیدند . در این وقت لویس از حاضرین آن جماعت چند کس را فرستاد در انسرای تا تحقیق کنند که راست است یا دروغ . وقتیکه در آن سرای رفتند اهل سرای را در حالت فرغ و ترس و بیم دیدند و چون از سبب آن پرسیدند در جواب

گفتند. که او شان يك شبح و مثالی در مطبخ دیدند که یکی از آن دو تقرراً بدست خود لمس کرد. و همین استاد (اکزاکوف) بر همین دو حادثه فوق الذکر حاشیه کرده و نگاشته که این دو حادثه ثابت میکند بطریقی که هیچ شك و شبه نمیاند اینک برای روح وجود مستقل است از ماده و میتواند این روح بقوای خود بعمل بیارد در خارج از خود چیزی را که برای او عملش معین باشد.

این فتوحات علمیه ایست که خدای تعالی منت گذاشته بر مردمان از طریق علمیه تجربی حسی که يك حربۀ مدهشی است که بر انکارات ملاحظه فرود آمده و يك صدمه سختی است که بر فلسفه ظالمانه ایشان وارد شده که بالکل دلائل شان را باطل و مفقود و قضاای غلط شان را بی اعتبار و مردود ساخته. و بزودی قارئین گرام خواهند دید از بن قبیل تجارب و مباحث و براین را در اثبات وجود روح که در گفتار نمیگجد (شنیدن کی بود مانند دیدن) (ساریلم آياتی فلا لتستمع جلون)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

